



انقلاب مورد هجومه هست. در این بین برخی اهمیت و بُرد این فضا را به خوبی درک نمی کنند ولی اتفاقاتی مثل قتل طلبه همدانی و موارد مشابه دیگر نشان از قدرت بسیار بالای این فضا است. جایی که بازنشریک توثیق ناشناس با حدود ۴ هزار فالوور توسط یک سلبریتی که اتفاقاً سابقه تاریکی در شایعه پراکنی دروغ هم دارد موجب کشته شدن یک انسان می شود.

رفتار و برخورد مسئولان دولتی در قبال این فضا اما، به دلیل عدم توان در شناخت صحیح و دیدن پیچیدگی ها و کارایی این فضا ترکیبی از سهل اندیشی و سهل انگاری بوده است. سهل اندیشی یعنی انسان پیچیدگی کار را نبیند، آن پیچهای کار و مشکلات کار را انسان توجه نکند؛ این سهل اندیشی است. سهل انگاری هم این است که انسان نگاه کند، بی تفاوت از مقابل خطر عبور کند. طوریکه در فضایی که دزد، قاچاقچی، قاتل و دشمن و ... می توانند در طرف مقابل شما با چهره های مجازی و نامشخص تمام مرزهای اعتقادی، انسانی و اخلاقی را به راحتی عبور و وارد فضای خلوت نیروهای ما می شوند به جای حرکت باتدبیر، با دقت، با ملاحظه جوانب با فضا سازی های پوپولیستی و انتخاباتی لیبرال حتی پس از اثبات همکاری شبکه ی خاصی با اهریمنانی مثل داعش و عدم پایبندی به حریم کشور بازهم انحصار عمل و ابتکار عمل به دست آنها سپرده شود.

البته تلاش دشمن، مأیوسانه است؛ این را از سخنان و رفتار آنها کاملاً می شود فهمید؛ اما کار و تلاش می کنند و مشکلات و زحمتهایی را برای ما ایجاد می کنند که با هشیاری و افزایش آگاهی به همراه مدیریت صحیح فضای مجازی می توانیم در این عرصه هم پیروز شویم.



تحت تاثیر القائات و تکنیک های رسانه ای آن انتخاب می کند.

پس رسانه یک جایگاه مدل سازی برای سبک زندگی دارد. می توان گفت که برای تدوین و تبلیغ سبک زندگی، یکی از اصلی ترین عناصر، رسانه است. طبیعی است که در فضای رها شده، فضای مجازی مُحمل، محتوای پراکنده، فاسد و سالم بصورت قاطی شده خواهد بود و فرد را در انبوهی از محتوای متفاوت سردرگم خواهد کرد.

اهمیت فضای مجازی و توجه به سلامتی آن به قدری مهم و حیاتی بوده که رهبر انقلاب آن را معادل انقلاب اسلامی دانستند. جایی که تهاجم نرم دشمن علیه تمام موجودیت و ارزشهای انسانی و

فضای مجازی و رسانه که فضای دوم زندگی ماست، فضایی باز نمایی شده از واقعیت است. بسیاری اوقات این واقعیت باز نمایی شده اثرش از خود واقعیت بیشتر است. سرخی سیب در تلویزیون به دلیل نورپردازی و افکت های تصویری، بسیار فریبنده تر از سرخی سیب روی درخت است. از طرفی رسانه و فضای مجازی امروز موتور تولید مدل های سبک زندگی است. قطعاً رسانه علی رغم محدودیتهایی که در عرصه ی باز نمایی دارد، ولی یک محیط الگوسازی و یک محیط تشویق کننده و در عین حال یک محیط کنترل کننده ی سبک زندگی هم هست. اگر کسی رسانه ی غربی را تماشا کند، طبیعتاً به مرور یک سبک زندگی خاص را

مصق

ریزش ها و رویش ها ۲

نظم انقلابی

پروژه گام دوم ۳

اسیر نفث

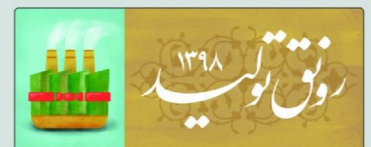
بیانات امام ۴

خدایا...

درد دل ۴

لذاست که مسئله ی تولید به نظر من مسئله ی محوری امسال است؛ لذا من شعار را امسال این قرار دادم: «رونق تولید». باید همه تلاش کنند تولید در کشور رونق پیدا کند.» ۱۳۹۸/۰۱/۰۱

«تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم میتواند مشکلات معیشتی را حل کند، هم میتواند استغناء کشور از بیگانگان و دشمنان را تأمین کند، هم میتواند مشکل اشتغال را برطرف کند، هم حتی میتواند مشکل ارزش پول ملی را تا حدود زیادی برطرف کند.





ریزش ها و رویش ها



مصدق، شاید چالش برانگیزترین چهره تاریخ قبل از انقلاب است. اولین چهره ای که از مصدق به ذهن می آید، بشکه های نفت است. برای همین بریم به تاریخچه نفت ایران. از کجا آمده و آمدنش بهر چه بود! برویم زمان قاجار. نفت ایران از زمان مظفرالدین شاه کشف شده بود. در آن زمان سهم ایران، ۱۶ درصد از کل امتیاز نفت بود! امتیاز نفت به استثناء استان های شمالی هم مرز با روسیه به یک انگلیسی بنام دارسی داده شده بود. (با نام پیمان دارسی)

رضا شاه را که سرکار آوردند، این امتیاز، ۲۰ درصد شد. در عوض قرارداد ایران با انگلیس به مدت ۶۰ سال تمدید شد.

در ۱۳۲۸ (یعنی ۸ سال پس از سلطنت محمدرضا) یک قرار داد تازه وضع شد. قرارداد الحاقی. یعنی سهم ایران از بشکه ای ۲۲ سنت به بشکه ای ۳۳ سنت تغییر پیدا کرد. اما در آن وقت، هر بشکه نفت خلیج فارس، ۱ دلار و ۷۵ سنت بفروش می رفت! از این نقطه، محمد مصدق وارد می شود. نماینده ای از حزب ملی بعنوان مخالف طرح الحاقی نفت در مجلس وقت.

مصدق بدلیل موضع ملی گرایانه اش، به شدت معروف و اصطلاحاً سلبریتی گردید! و محمدرضا نمی خواست تبدیل به چهره ای ضد ملی بشود. از این

طرف رفتار انگلیسی ها با کارگران ایرانی تحقیرآمیز و حتی نژاد پرستانه بود. بنابراین طرح الحاقی به مجلس رفته ولی تصویب نشد.

دوران مجلس وقت به پایان رسید. در شروع دور بعدی، مصدق بعنوان رهبر نهضت ملی شدن نفت، وارد مجلس شد. ایت الله کاشانی به او ملحق و از وی حمایت می کرد. لایحه ملی شدن صنعت نفت، به مجلس می رود. ۲۹ اسفند ماه، روز تصویب شدن طرح مصدق در یادها باقی می ماند. مردم به خیابان ها آمده و اظهار شادی می کردند.

چندی بعد از نخست وزیری مصدق در ۱۹

اردیبهشت ۱۳۳۰، همزمان می شود با قطع دست چدنی انگلیس در دستکش مخملی اش. یعنی غریبال نفت انگلیسی از ایرانی. (در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۳۰) اما انگلیس به دادگاه لاهه شکایت میکند. نطق محمد مصدق در دادگاه لاهه شنیدنی است:

«ای قضات جهان، من از راهی دور برای دفاع از حقوق ملتی زجر کشیده که بیشتر از نیم قرن است در زیرسلطه استعمار و در زیر تازیانه دیکتاتور فریاد می کشد و کسی به فریاد او گوش نمی دهد، به اینجا آمده ام تا از وجدان بیدار شما برای پاره کردن زنجیر استعمار در سرزمین خودم یاری بطلبم.» مجلس بعدی سرکار می آید و مصدق برای دومین بار به نخست وزیری منتصب می شود. اما پایان کار نیست. اتفاقاتی در شرف انجام شدن است. حوادثی که پرده از خیلی مسائل بر میدارد.

ادامه در قسمت دوم...



روش تحلیل



آزاد اندیشی

آنی که کمک میکند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال ترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. آزادی یکی از بزرگترین نعمت های الهی است که یکی از شعبش آزاداندیشی است. بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد. در حوزه های علمیه، دانشگاه و محیط های فرهنگی و مطبوعاتی، هو کردن کسی که حرف تازه ای می آورد، یکی از بزرگترین خطاهاست؛ بگذارید آزادانه فکر کنند. به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم - اعتقاد ما به آزادی یک مسئله ای تاکتیکی نیست؛ یک مسئله ای واقعی است. آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف میکند، نه به معنایی که غربیها تعریف میکنند، که آن، به نظر ما انحراف است. آنجائی که باید آزادی باشد، نیست؛ آنجائی که باید محدودیت باشد، قیدها گسسته است و آزادی هست! آن را ما مطلقاً قبول نداریم؛ تو رودربایستی غرب هم گیر نمیکنیم. ما آزادی را با همان مفهوم اسلامی خودش قبول داریم، که البته تو آن آزادی بیان هست، آزادی رفتار هست، آزادی فکر هست.

تقویم شیعی



ماه مراقبت



باید مراقبت کنیم؛ باید نظارت کنیم بر خودمان، بر مجموعه مان، انگیزه مان را افزایش بدهیم، کارمان را مترکم تر کنیم، پُرکاری، پرهیز از لغزشگاه ها، خلاصه در یک جمله تقوا! تقوا! تقوا - که در ماه رمضان [به عنوان] فلسفه و غایت روزه شناخته شده - به همین معنا است. تقوا یعنی مراقبت از خویش؛ دائم باید مراقب خودمان باشیم. البته خطاب این حرفها در درجه ی اول به خود بنده است؛ همه مان مسئولیم؛ پس قدر ماه رمضان را بدانیم.

نظم انقلابی



پروژه گام دوم

نظام زمانی در مسیر درست حرکت میکند که اصول، ارزش ها و آرمان های انقلاب حفظ شود و این بدین معناست که اگر این نظام دچار سکون و محافظه کاری شود و از ارزش های انقلابی دور شود و دشمن موفق شود این نظام را انقلاب زدایی و سکولار کند، از ماهیت اصلی تهی شده است و نظام جمهوری اسلامی اگر غیر انقلابی باشد اساساً نظام جمهوری اسلامی نخواهد بود. شاید اینطور به نظر برسد که مفهوم نظام انقلابی مفهومی پارادوکسیکال است؛ یعنی از طرفی دربرگیرنده ی مفهوم نظام است که یعنی شما با یک سیستم اثبات مواجهید و از طرفی مفهوم انقلاب در کنار آن قرار دارد که به معنای تحول دائمی، مستمر و برخورد انقلابی با پدیده هایی که پیش روی این نظام است. اما این نگاه ظاهری است و در نگاهی واقعی در حقیقت پارادوکسی وجود ندارد؛ همان طور که در مفاهیمی مثل مردم سالاری دینی و جمهوری اسلامی پارادوکسی نیست. نوع نگاه به این مفاهیم بایستی تغییر کند تا این مفاهیم بتوانند در کنار هم قرار گیرند و یک همزیستی کارآمد و از لحاظ نظری فاقد تناقض و همگن و بلکه یک مفهوم پیشرو خلق کند. لذا باید گفت که انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمیبیند، بلکه از نظریه ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.

در سفر کوهنوردی و صعود به قله یکی از مهمترین ملزومات، داشتن نقشه راه سفر و اشراف به آن است برای اینکه تا جاییکه که ممکن است از انحراف از مسیر و بی راهه رفتن جلوگیری شود. نقشه راه حرکت مردم در انقلاب ۵۷ برخاسته از دین مبین اسلام بود و اسلام، مسیر پر فراز و نشیب انقلاب را به سمت اهداف خود نشان می داد. اما همانطوریک کوهنورد در طول مسیر صعود، مدام نقطه یابی می کند تا به اصطلاح بداند که درکجای مسیر قرار دارد و اگر دچار انحراف از مسیر شد در صدد اصلاح آن برآید، انقلاب اسلامی نیز همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است تا همیشه در مسیر صحیح حرکت کرده و بتواند به غایت نهایی خود برسد. انقلاب اسلامی در سفر ۴۰ ساله خود از ابتدا تا کنون تجارب متفاوتی را کسب کرده که این تجارب خالی از نقاط ضعف نبوده اما آنچه که مشهود است، نقاط قوت بسیار بیشتر از نقاط ضعف بوده است. اما قبول وجود این نقاط ضعف هیچگاه به این معنی نیست که انقلاب نگاه از قله و آرمان ها برداشته و اساساً این انقلاب تجدیدنظر پذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب در صدد برطرف کردن نقاط ضعف برمی آید اما به هیچ بهانه ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی گیرد. حال سوال اینجاست که چگونه می توان بقای در مسیر صحیح را برای انقلاب تضمین کرد؟ این



اسیر نفت

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران
۹۸/۲/۴



اقتصاد نفتی یکی از عیوب اساسی اقتصاد ما است. ما نفت را که سرمایه‌ی ماندگار ما است و امکان ارزش افزوده‌ی چندین برابری در آن وجود دارد، از زیر زمین بیرون می‌کشیم، خام می‌فروشیم و پولش را صرف امور جاری کشور می‌کنیم که خسارت از این بالاتر نمیشود! این [متکی شدن اقتصاد به نفت] خشت کجی است که در زمان رژیم پهلوی گذاشته شده است. اقتصاد این کشور را متکی به نفت کرده‌اند و به آسانی هم نمی‌شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد. تصور کنیم اگر این نفتی که امروز در اختیار ماست، در اختیار اروپا و آمریکا بود، ما برای هر بشکه‌اش باید در مقابل آنها سجده می‌کردیم تا یک بشکه نفت به ما بدهند! اگر به جای کشورهای عربستان، ایران، اندونزی،

امارات، کویت و غیره و غیره، نفت در اختیار آمریکا و انگلیس و ایتالیا و بعضی کشورهای دیگر اروپایی بود و ما می‌خواستیم از آنها نفت بخریم، آیا حاضر بودند حتی یک قطره نفت به ما بدهند؟! اگر می‌خواستیم یک بشکه نفت از آنها بگیریم، صد گونه شرط و شروط می‌گذاشتند. امروز همان نفت، یعنی همان مایع ذی‌قیمت را، با استفاده از خیانت بعضی از دولت‌های تولید کننده نفت، که دستشان در دست آنهاست، به کمترین قیمت ممکن می‌خرند و در واقع غارت می‌کنند و می‌برند و از آن، همه اساس مدنیّت صنعتی کنونی را برپا می‌دارند. روشناییشان از نفت ماست؛ گرمایشان از نفت ماست؛ حرکتشان از نفت ماست؛ کارخانه و صنوعاتشان هم از نفت ماست! اما چاره چیست؟ ما باید کاری بکنیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم

سرچاه‌های نفت خودمان را ببندیم! نه از کمبود مشتری بترسیم، نه از نداشتن بازار بترسیم، نه از نداشتن پول بهای نفت بترسیم؛ باید به اینجا برسیم. وقتی یک اشاره‌ی قدرتها و عناصر خبیث منطقه با همدگر، موجب می‌شود که نفت ناگهان از صد دلار بشود چهل دلار؛ این قابل اطمینان نیست. نمی‌توان این را جزو سرنوشت اقتصاد کشور و گذران زندگی یک کشور قرار داد. تولید نفت دست ما است، اما قیمت‌گذاری‌اش دست دیگران است، امکان فروشش دست دیگران است، تحریمش به دست دیگران است. ما باید خودمان را از این مکیدن نفت و وابسته بودن به نفت به تدریج جدا کنیم. در واقع اگر امروز ما اسیر نفت هستیم! فردا نفت باید اسیر ما باشد!

درد دل

خدایا ...



خدایا! من تو را به وسیله تو شناختم و تو مرا به وجود خود دلالت فرمودی و بسوی خود خواندی و اگر تو نبودی من نمی‌دانستم تو چیستی... ستایش خدایی را که من او را می‌خوانم و او اجابت می‌کند و هر چند، وقتی که او مرا می‌خواند کندی و کاهلی می‌کنم.

و ستایش خدایی را که چون از او چیزی بخواهم به من عطا می‌کند و هر چند، هنگامی که از من قرض می‌خواهد، من بخل می‌ورزم. ستایش خدایی را که به او چشم امید دارم؛ نه به غیر او و اگر به غیرش امید می‌داشتم، مرا ناامید می‌گردانید. ستایش خدایی را که با من اظهار دوستی کرد با آنکه از من بی‌نیاز بود.

سپاس خدایی را که از خطا و گناهانم جلم و بردباری کرد چنانکه انگار گناهی از من سر نزده. پس خدای من، پیش من، محبوب ترین موجود است و به حمد و ستایش اون سزاوارتر از همه عالم است.

فرازی از دعای ابو حمزه ثمالی